

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

پدين بوم وير زنده يك تن مياد  
چو کشور نباشد تن من مياد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم  
همه سر به سرت تن به کشتن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

Political

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

سياسي

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## شاخ کرگدن

خاين ملي و ، غذار وطن  
جانى و ، زانى و ، دزو قبرکن  
چون شغال و گرگ و کفتار و لبَن  
بنده نمرودو ، شدّاد شمن  
ارتباطي حاصل ، از زير چين  
فاعل و مفعول ، مردندو ، نه زن  
پشت (حکمتیار) ، رقص و هم اتن  
ريش (گلب الدين) و ، صابون و لگن  
بر تنش ، (طلب) نماید پيرهن  
پاي لنگش ، بند مانده ، در لجن  
دامنش بالاشد و ، پاره يخن  
از دخالت کردن ، هر بد دهن  
نفترت دین ، در دل هر مردو زن  
از جفا دوزد ، به باورها کفن  
ميکند اعلن ، واضح و علن  
دوسست دارد (ضرب شاخ کرگدن)  
تا خبر گيرد از آن شهر کهن  
شد اسیر کرگس و ، زاغ و زغن  
به ر نفع و ، کاسبی خويشت

(يونس قانوني) قانون ش肯  
قاتل و ، بدکاره و ، قاچاقبر  
لاشه خور مافياي ارتجاع  
مفسد ملعون ، چون شمر و يزيد  
با (ضيا مسعود) و (برهان) و (فهيم)  
جنس بازى کردن با همدگر  
(خرم قانغوزك) غندل نما  
آبرومندى ، هر بي آبرو  
(اتمر) از چپ ها گريزان سوی راست  
از (رحيم وردك) (گيلان) پرست  
ليک (رباني) نگر (برهان) دين  
وحت ملى ما ، اندر خطر  
تا (قوچ جنگي) شدی برنامه دار  
آنکه بودی مادر فحشای دهر  
حکم تکفیر همه روشنگران  
برخلاف ساز و ، آواز است و رقص  
حال شوق (بلخ) دارد خامه ام  
(كامبخش) ، آن قهرمان راستگو  
تاجران دين ، بر او تاختند

امر فوری ، به دار آویختن  
اشتباه فنیی ، گفت ، آن غَبن  
نقص تخنیکی شود ، نه سهو فن  
کارشان اعدام ، هر مرد حَسن  
چون عزازیلان دارند و ، رَسَن  
میهن زیبای ما ، بیت الحزن  
دل به دست آرند ، با نرم سخن  
چون مریخ و مشتری و چون پَرَن  
پُر گل وحدت شود ، دشت و دمن  
نه سر انسان را ، از تن زدن  
در نهایت ، روح و ریحان زیستن  
تخم الْفت را ، به دلها کاشتن  
بهتر از لعل بدخسان و یمن

ابتداء ، تائید آمد از سنا  
**(صبغت الله)** شد پشیمان زین سخن  
لیک میترسم که روزی دیگری  
وازین نمرودیان ، بی خدا  
قاضی و مفتی و ملای دَغل  
از جفا و جور این ناِخرَدان  
باید این اهلِ عمايم ، از وفا  
در فضای منطق و ، روشنگری  
پس معاشر با همه اهلِ جهان  
جان خود کردن فدای همدگر  
با یهود و ، گبر و ، هندو و ، نصار  
این بُود ، نام و نشان ، آدمی  
« نعمتا » ، این نقدِ ثند و بانمک

(اول فبروری 2008)